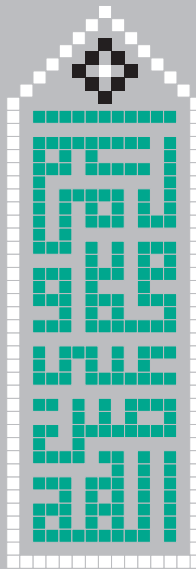


## اسماء الوحي والحي



سرشناسه: خدادادی، صالحه، ۱۳۶۴-

شناسه افزوده: پدره، محسن، ۱۳۶۵-

عنوان و نام پدیدآور: انگاره‌ها و نگاره‌ها:

تحلیل تطبیقی انگاره زن در ادیان ابراهیمی و بازتاب آن در نگاره‌ها/

صالحه خدادادی، محسن پدره.

مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری،

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص: مصور (بخشی رنگی)؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۰۰۵-۰۵-۱

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: تحلیل تطبیقی انگاره زن در ادیان ابراهیمی و بازتاب آن در نگاره‌ها.

موضوع: زنان و دین Women and religion

زنان در هنر Women in art

زنان در ادبیات Women in literature

نگاشت مفهومی Concept mapping

رده‌بندی کنگره: BL۴۵۸

رده‌بندی دیویی: ۸۲/۴۰۰

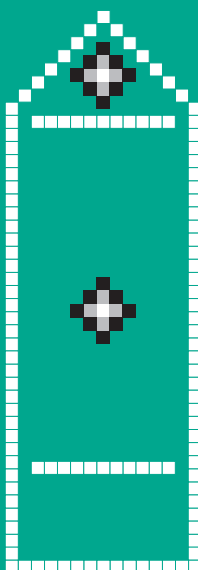
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۳۸۰۲۸



# انگاره‌ها و نگاره‌ها

تحلیل تطبیقی انگاره‌زن  
در ادیان ابراهیمی و بازتاب آن در نگاره‌ها

صالحه خدادادی  
محسن پدرو  
(عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء)



نشانی:  
تهران، خیابان سمیه،  
حوزه هنری، پژوهشکده  
فرهنگ و هنر اسلامی  
کدپستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲  
شماره تماس: ۹۱۰۸۸۲۷۱



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۹۱۰۸۱۲۴۲۸



پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
انگاره‌ها و نگاره‌ها  
تحلیل تطبیقی انگاره زن  
در ادیان ابراهیمی و بازتاب آن در نگاره‌ها  
صالحه خدادادی / محسن بدره  
ناظر علمی: صادق جمالی  
ویراستار: سید حسام‌الدین حقیقیان

چاپ نخست: ۱۴۰۳  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۰۰۵-۰۵-۱



تقدیم به

همهٔ اطلسی‌ها، آن‌گاه که در سودای شکفتن به خود می‌پیچند؛  
همهٔ مریم‌ها، وقتی ژاله‌های غم بر سپیدی گلبرگ عفتشان آرام می‌گیرد؛  
تمام کوکب‌ها، آن هنگام که ستارهٔ شکوهشان بر ورق تاریخ خاموش می‌شود؛  
همهٔ بنفشه‌ها، آن‌گاه که در ساعت خلقت انسان در برابر جبروت لایزال الهی رکوع می‌کنند؛  
همهٔ شقایق‌ها، در آن ساعت که داغ هستی را در آغوش می‌کشند؛  
تمام مرواریدها، وقتی قطره‌های باران بر چادرهای سپیدشان تسبیح می‌گوید؛  
تمام لاله‌عباسی‌ها، وقتی سحرها سبدهایشان پر از روزی حلال می‌شود؛  
به یاس، که به‌رغم مدعیان، جمال چهره‌اش حجت موجه ماست؛

تقدیم به

همهٔ گل‌های گلشنِ حوا





سپاس‌گزاری  
از سرکار خانم فاطمه باجلانی  
برای همکاری در تهیه برخی یادداشت‌های فصل‌های سوم و ششم  
و از آقای دکتر روح‌الله گل‌مرادی  
برای برگرداندن برخی نقل‌قول‌ها از انگلیسی به فارسی برای فصل مربوط به بشارت مریم (س)  
و از پژوهش‌کننده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری،  
به ویژه آقای دکتر سید حسین شهرستانی،  
برای همکاری صمیمانه در زمینه به نتیجه رسیدن و نشر این پژوهش سپاس‌گزاریم.



با استفاده از رمزینسه زیر تصاویر کتاب را به صورت رنگین و با کیفیت بالا مشاهده کنید:



## فهرست مطالب



- ۱۱ پیش‌گفتار پژوهش‌کننده فرهنگ و هنر اسلامی  
۱۴ مقدمه نویسندگان



## ۲۱ فصل یکم؛ بی‌گناهی نخستین؛ تصویر حوا در عهدین و قرآن و انعکاس آن در ادبیات و هنر

- ۲۲ مقدمه  
۲۴ تصویر حوا در عهد عتیق  
۲۴ - هدف از آفرینش حوا در عهد عتیق  
۲۵ - گناه و عملکرد آدم و حوا در عهد عتیق  
۲۷ - کیفر خطای اولیه در عهد عتیق  
۲۸ تصویر حوا در عهد جدید  
۲۸ - آفرینش حوا در عهد جدید  
۳۰ - گناه و عملکرد آدم و حوا در عهد جدید  
۳۰ - کیفر خطای اولیه در عهد جدید  
۳۲ تصویر حوا در قرآن  
۳۲ - هدف از آفرینش حوا در قرآن  
۳۴ - گناه و عملکرد آدم و حوا در قرآن  
۳۵ - کیفر خطای اولیه در قرآن  
۳۵ پیامد تصویر عهدینی از حوا در غرب یهودی مسیحی  
۳۵ - تفاسیر یهودی و مسیحی  
۳۸ - ادبیات تأثیرگرفته از کتب مقدس در غرب  
۴۰ - بازنمایی تصویر حوا در هنر غرب مسیحی  
۴۹ بازنمایی تصویر حوا بین مسلمانان  
۴۹ - تفاسیر مسلمانان  
۵۴ - بازنمایی تصویر حوا در ادبیات جهان اسلام؛ بررسی موردی اشعار فارسی  
۵۶ - تصویر حوا در هنر اسلامی  
۶۳ جمع‌بندی



۶۵	فصل دوم؛ رنج ترنج؛ زلیخا در فرهنگ‌های یهودی مسیحی و اسلامی
۶۶	مقدمه
۶۷	داستان یوسف و زلیخا بر اساس متون یهودی
۶۹	- داستان‌های یهودیان
۷۴	داستان یوسف و زلیخا در قرآن کریم
۷۸	داستان یوسف و زلیخا در قصص‌الأنبياء
۷۹	- کسانئ
۸۱	- ثعالبی
۸۲	- سورآبادی
۸۵	- قطب راوندی
۸۵	- ابن‌کثیر
۸۷	تفاوت‌های روایت تورات، سنن یهودی، قرآن و قصص‌القرآن
۸۸	- اسرائیلیات در داستان یوسف و زلیخا
۹۴	زلیخا در ادبیات
۹۴	- معرفی منظومه‌های یوسف و زلیخا
۹۶	- زلیخا در نگاه سعدی
۹۸	- درباره‌ی منظومه‌ی جامی
۱۰۶	- مقایسه‌ی منظومه‌ی خاوری با جامی
۱۰۸	- مقایسه‌ی یوسف‌نامه‌ی پیرجمال اردستانی با منظومه‌ی جامی
۱۱۰	- مقایسه‌ی یوسف و زلیخای نورمحمد عندلیب با منظومه‌ی جامی
۱۱۲	- مقایسه‌ی یوسف و زلیخای آذر بیگدلی با اثر جامی
۱۱۲	- یوسف و زلیخای شعله‌گلیپایگانی
۱۱۳	- یوسف و زلیخای فاخری فسائی
۱۱۴	- نگاه به زلیخا؛ از نكوهش تا ستایش
۱۱۷	- وصف نقاشی ضیافت زلیخا در چهل‌ستون قزوین در شعر عبدی بیگ
۱۲۰	بازنمایی زلیخا در هنر نقاشی
۱۲۰	- زلیخا در نقاشی‌های مسیحی
۱۲۴	- یوسف و زلیخا در نگارگری اسلامی
۱۳۶	- مهمانی زلیخا برای زنان مصری در نگاره‌ها
۱۴۲	- وصال زلیخا با یوسف در نگاره‌ها
۱۴۴	جمع‌بندی



## ۱۴۷ فصل سوم؛ مصائب رحمه؛ بازتفسیر مواجههٔ ایوب (ع) با همسرش در قرآن

- ۱۴۸ مقدمه
- ۱۵۱ دسته‌بندی نه‌گانهٔ تفاسیر قرآن کریم از آیهٔ ۴۴ سورهٔ صاد
- ۱۵۱ - عصبانیت ایوب از همسرش به دلیل مکالمه با شیطان
- ۱۵۲ - عصبانیت ایوب از گیسوان بریدهٔ همسر
- ۱۵۳ - قسم ایوب برای تنبیه به دلیل صبوری نکردن زوجه
- ۱۵۳ - نداشتن رضایت جنسی ایوب (ع) از همسرش
- ۱۵۴ - باور تهمت ابلیس به همسر از سوی ایوب
- ۱۵۴ - احتمال خیانت از سوی زوجه
- ۱۵۵ - دیرآمدن همسر به منزل، دلیل قسم ایوب
- ۱۵۵ - خوانش ضرب به ضغت به مثابهٔ استفاده از دستهٔ گیاهان دارویی برای درمان ایوب
- ۱۵۶ - اشاره نکردن برخی تفاسیر به علت ناراحتی ایوب
- ۱۵۷ - ارائهٔ تفسیری جایگزین با تأکید بر بازتفسیر واژهٔ «حنث»
- ۱۵۷ - عرضهٔ تفاسیر به اصل عصمت انبیا
- ۱۵۸ - بررسی سندی روایات تفسیری آیهٔ ۴۴ صاد
- ۱۶۰ - توجه به قرینهٔ مقامیه در تفسیر آیهٔ ۴۴ صاد
- ۱۶۰ - شباهت بخشی از داستان ایوب به داستان بنی اسرائیل
- ۱۶۵ جمع‌بندی



## ۱۶۹ فصل چهارم؛ رحمه، دختر حوا؛ وسوسهٔ آدم و ایوب (ع) از سوی همسرانشان

- ۱۷۰ مقدمه
- ۱۷۲ بخش اول تشابهات تفسیری و هنری منابع اسلامی و عهد عتیق
- ۱۷۲ - داستان آدم و حوا
- ۱۷۸ - بررسی داستان ایوب و رحمه
- ۱۸۹ افتراقات منابع اسلامی و عهد عتیق
- ۱۸۹ - داستان آدم و حوا
- ۱۹۵ - ایوب و رحمه
- ۲۰۱ جمع‌بندی

فصل پنجم؛ دومین حوا؛ مریم و بازخرید گناه حوا	۲۰۵
مقدمه	۲۰۶
رابطه بین مریم و حوا در الهیات مسیحی	۲۰۹
بازنمایی تأثیر رابطه مریم (س) و حوا در هنر نقاشی	۲۱۹
جمع‌بندی	۲۲۹



فصل ششم؛ مزده و مزدگانی اش؛ بشارت مریم (س) به آدم نانی	۲۳۱
مقدمه	۲۳۲
بشارت در اناجیل	۲۳۳
بشارت در قرآن و تفاسیر اسلامی	۲۳۷
- بارداری به واسطه نفخ جبرائیل (ع)	۲۴۰
- نافخ خود خداوند است	۲۴۲
- بارداری به صورت دریافت خرما یا آب دهان از جبرائیل	۲۴۲
- اشاره نکردن به روش بارداری	۲۴۳
- استناد به اراده تکوینی خداوند	۲۴۴
- بارداری بر اساس قواعد طبیعی	۲۴۴
- تحریک شهوت	۲۴۶
- القای کلمه در فرج به جای نطفه مرد	۲۴۸
- تفسیر باکره‌زایی مریم (س) صحت ندارد	۲۴۸
بازنمایی بشارت در هنر مسیحی	۲۴۹
بازنمایی بشارت در هنر اسلامی	۲۷۹
جمع‌بندی	۲۸۶



کتاب‌نامه	۲۸۷
فهرست اعلام	۲۹۷
پیوست؛ تصویر آثار	۳۰۱



## هو الحق



### پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



یهود گفتند عزیز، فرزند خداست.

نصاری گفتند مسیح، فرزند خداست.<sup>۱</sup>

و قرآن برتافت؛ و قرآن صریح و بی‌پرده مساوی آسمان‌ها و زمین دانست.<sup>۲</sup> اکنون پرسش روش جویانه ما از قرآن این است که آیا نمی‌شد به جای پاسخ قاطع و چندباره به این ادعا به همان آیات باشکوه سوره توحید بسنده کرد؟ آیا نمی‌شد تنها و تنها گفت: «الله احد... لم یلد و لم یولد»؟

این پرسش از آن‌رو، روش جویانه است که باور ما به بیان قرآن، باور به متنی روش‌مند است. نوع مواجهه قرآن، با دعوی یهود و نصاری، تکلیف ما را در کیفیت مواجهه با هر آنچه در ساحت هنر به شکلی بنیادین و جریان‌ساز به هر آنچه به ساحت وحی پرداخته، معلوم می‌کند.

اثر هنری به اعتبار اتخاذ زاویه دیدی که به مخاطب، زبان هنری، سبک، موضوع و هر مؤلفه دیگری در مسیر آشکارگی خویش پدیدار می‌کند لاجرم خالی از موضع در برابر مضمون خویش نیست. آثاری که مستقیماً به موضوعات مربوط به تاریخ مقدس

۱. وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (سوره مبارکه توبه، آیه ۳۰)  
۲. تَكَادُ السَّمُوتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْسُقُ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا. أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا. وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا. إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا (سوره مبارکه مریم، آیات ۹۰ تا ۹۳)

و مضامین کتاب مقدس پرداخته‌اند، همواره برخوردار از موضعی هستند که می‌توان هم‌راستایی، تنافر و یا تضاد آن‌ها را با بیان کتاب مقدس از واجوبی همین زوایا دریافت. دستمایه‌های ادبی و هنری برگرفته از خوانش کتاب مقدس، مقوم آثار بسیاری در طول تاریخ هنر بوده‌اند که به دلایل گونه‌گون با خوانش بی‌واسطه‌تر از قرآن در تعارض‌اند. اگر قرآن و تورات و انجیل را منشعب از سرچشمه واحدی بدانیم - که می‌دانیم - اگر اساس تورات و انجیل موجود را برخوردار از امکان رجوع بدانیم - که می‌دانیم - تعارض را می‌توان در یکی از مراتب زیر ردیابی کرد:

۱. تقلیل معنا به سبب وساطت ترجمه از نص مرتبه‌مند اولیه تا متن تخت موجود؛

۲. جایجایی مراتب اهمیت نص مکتوب منزل با سنت شفاهی اهل کتاب؛

۳. روایت خاص متولیان نهاد دین از متن مقدس؛

۴. تفسیر ذوقی اهل هنر و ادبیات از منبع دینی.

صرف نظر از علت آخری که بر ساخته ذهن هنرمند است و خود در دو نوع انشاء (اقتباس و انعکاس) بر پایه متن نخستین پدیدار می‌شود، سایر علت‌ها به عنوان مقوم تصویر ذهنی هنرمند از همان ابتدا مسیری پیش روی وی می‌نهند که لاجرم به خوانشی متفاوت و بلکه متضاد نسبت به بیان قرآن منجر می‌شود. اهمیت واجوبی علل تفاوت منظر اهل ادب و هنر با بیان قرآن، آن است که بسیاری از باورهای ناپسند منتسب به کتاب مقدس، در همین مسیر زاده شده‌اند. یکی از این باورها، باور به کهن‌الگوی زن اغواگر است؛ باوری که ریشه در تصویر نخستین از گناه نخستین دارد و غالب کج‌تابی‌های تمدنی حول محور زن، از واپس‌زدن زن از دایره آموزش گرفته تا بازخورد تندی مانند فنیسم، هرکدام به نوعی در تلقی راستی این رویکرد پدیدار شده‌اند. مادر ما حوا علیها سلام، در خوانش تاریخ هنر و ادب دینی مغرب‌زمین، در مقام متهم ردیف اول اخراج از بهشت است و این کمترین سنخیتی با بیان قرآن ندارد. اثر پیش‌رو که حاصل پژوهش درخور تحسین سرکار خانم دکتر خدادادی و برادر ارجمند آقای دکتر بدره است، نه تنها به جهت توصیف تصویر کج

ساخته و پرداخته شده در دستگاہ ادبی و هنری، بلکه در تکاپوی رد مرجعیت منابع مقوم این آثار، به سیر صورت‌گری چهار شخصیت معرفی شده در کتاب مقدس می‌پردازد؛ حوا و مریم علیهماسلام، بانو رحمه (همسر ایوب نبی) و بانو زلیخا (همسر عزیز مصر). بررسی کیفیت تصویرسازی همه این شخصیت‌ها در قیاسی با بانوی نخستین، حوا، و پیش‌فرض گناه نخستین انجام شده است.

نکته قابل توجه در طبقه‌بندی سنجش‌های انجام شده در کتاب، آن است که در طبقه‌بندی منابع مقوم صورت‌گری از این چهار شخصیت، به دو قطب «قرآن» و «عهدین» بسنده نشده که اگر چنین می‌شد، لاجرم می‌بایست قصص الانبیای نگاشته شده در تمدن اسلامی، به خوانش قرآنی منتسب می‌شد؛ حال آنکه در اثر پژوهشی پیش‌رو، قصص الانبیاء به عنوان متونی التقاطی بیشتر به ترجمانی دست چندم از خوانش اهل کتاب از کتاب مقدس نسبت داده شده است.

حاصل آنکه وانهادن بیان خاص و دیگرگون قرآن (هم از حیث محتوا و هم از حیث شکل) در روایت شخصیت‌های مورد بحث، حتی در آثار هنری تمدن اسلامی، اتخاذ زاویه‌ای مستعد دویینی و کج‌نگری را موجب شده و تصویر برساخته جهان ادب و هنر، غالباً در تعارض با بیان قرآن، مخاطب را در تلقی نادرست از ایشان به سمت وسوی ناهمگون با خواہش فطرت بشر می‌راند.

در پایان ضمن سپاس از مؤلفان محترم کتاب، امید دارم واکاوی شکلی و مضمونی روایت قرآن به شکلی مستقیم و بی‌واسطه، زمینه‌انشاء آثاری پالوده و پیش‌رو در عرصه ادبی و هنری باشد. تلاش برای دست‌یابی به رویکردی قرآنی در تعاریف، راهبردها و مناسبات هنری اگر رسالتی ایجابی است، پژوهش‌هایی از سنخ اصلاح و تغییر رویکرد نادرست تنیده شده در باور هنرمندان موحد، به عنوان تلاشی سلبی، مکمل آن است؛ به قاعده و روشی که خود قرآن بر آن است.

صادق جمالی

بهمن‌ماه ۱۴۰۳



## مقدمه نویسندگان



در تاریخ بشر همواره نگاره‌ها از زن، یعنی بازنمایی‌های هنری تجسمی از انوئیت و مادینگی، متأثر از انگاره‌ها بوده است که همانا در اساطیر و متون مقدس جای داشته‌اند. از آنجاکه در بسیاری از فرهنگ‌های بشری عصر آهن به بعد، بر اثر زن‌نکوهِی<sup>۱</sup> شایع، جنس زن گاه‌به‌گاه دومی، تبعی، شریر و به‌طور کلی بدون صفت‌های کمال انسانی و مادون جنس مرد تصور شده است، به طبع، بازنمایی انگاره زن در هنرهای تجسمی، به ویژه نقاشی، تا اندازه چشمگیری منفی بوده است.

به طور خاص، مفاهیم زن‌نکوهانه در دو سنت ابراهیمی یهودیت و مسیحیت با گونه‌ای از انگاره پاندورایی اساطیر یونانی قرین و حوا به انگاره واسطه شر در هنر بدل شده است. این انگاره البته به تصویر شخصیت‌های دیگر، مانند زن ایوب، نیز سرایت کرده است. این امر، در کنار برخی تأثیرپذیری‌های فرهنگ اسلامی از اسرائیلیات، سبب شده است تا فینیسیم شرق شناختی غربی یا فینیسیم شرق شناختی غرب‌زده در شرق، انگاره زن در سنت ابراهیمی اسلامی را نیز با انگاره یهودی مسیحی از انوئیت یکی بیندارد و آن را جنس دومی و شریرانه و مادون فرض کند. البته این نگاه در میان برخی از نخله‌های مسلمان که به منظور خوانش خود از جایگاه زن در اسلام، درون‌مایه‌های قرآن را محور

1. misogyny

قرار نمی‌دهند نیز غریب نیست و آن‌ها نیز گاه‌به‌گاه به همین ورطه درافتاده‌اند. در این پژوهش بنا داریم ابتدا انگاره‌های زنان برجسته (مادر بشر و همسران پیامبران و برخی زنان شاخص دیگر) در عهدین و سنت یهودی مسیحی را با نظایرشان در قرآن و سنت اسلامی مقایسه کنیم و سپس به‌طور تطبیقی به بازنمایی این انگاره در نگاره‌های غربی و هنر اسلامی بپردازیم.

سنت‌های ابراهیمی اشتراکات ناگزیری دارند و همین سبب شده است شریعت متأخر، یعنی اسلام، تا اندازه‌ای در تاریخ فرهنگی خود متأثر از سنت‌های معرفتی یهودیت و مسیحیت باشد. این اثرپذیری که البته هرگاه صحبت از ورود تحریفات دینت‌های گذشته در آن به میان آمده، با حساسیت علمای اسلام روبه‌رو شده، از جمله در روایت داستان‌های پیامبران (ع) مطرح است. این موضوع از سویی و سرزندگی پژوهش‌های مربوط به شأنیت و حقوق زنان در اسلام از سوی دیگر، سبب شده مطالعات تطبیقی درباره‌ی روایت‌های این چند سنت ابراهیمی از شخصیت‌های زن داستان‌های پیامبران، واجد اهمیتی ویژه شود.

الهیات جنسیت داستان آفرینش در میان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان، در تاریخ زیست فرهنگی این سه جامعه آشکارا تأثیر گذاشته و به‌طور خاص در ادبیات و هنر بازنمایی شده است. یکی از بحث‌برانگیزترین ابعاد داستان آفرینش، ارزش انسانی زن در این روایت‌ها و تقصیر و مکافات‌های احتمالی بوده است؛ به همین دلیل، در پژوهش حاضر تصویر حوا در عهدین و قرآن را با رویکردی مقایسه‌ای تحلیل می‌کنیم؛ سپس بازنمایی‌های این تصویر در ادبیات و هنر را در چند نمونه مهم می‌کاویم. به سبب اینکه تصویر رایج از حوا در فرهنگ اسلامی گاه با تصویر ترسیم‌شده در قرآن متفاوت و متأثر از انگاره عهدینی از مادر بشر است، به قدر مجال، رویکرد انتقادی به بازنمایی تصویر حوا در فرهنگ اسلامی نیز در پیش گرفته‌ایم.

این اثر در حقیقت پاسخ به دو پرسش محوری است:

۱. کتاب مقدس (عهدین) و قرآن چه تصویری از انوئیت و به‌ویژه زنان شاخص (مادر بشر، همسر ایوب، مریم و زلیخا و ...) ارائه کرده‌اند و این تصویرها چه شباهت‌ها و تمایزاتی دارد؟

۲. انگاره‌های عهدین و قرآن از انوئیت و زنان شاخص، منشأ چه بازنمایی‌هایی در هنرهای تجسمی غربی و اسلامی شده است و این نگاره‌ها تا چه اندازه مبتنی بر متون مقدس ابراهیمی و تفاسیر آن‌اند و چه شباهت‌ها و تمایزاتی دارند؟ روش این پژوهش مطالعه مقایسه‌ای است و گردآوری داده‌ها با کاوش در اسناد و آثار کتاب‌خانه‌ای و گنجینه‌های هنری صورت گرفته و به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در بخش اول هر فصل، وقایع مربوط به زندگی شخصیت‌های یادشده در دو منبع اصلی قرآن و عهدین را به صورت مقایسه‌ای و در سطح خرد<sup>۱</sup> کاوش و تحلیل می‌کنیم؛ زیرا مسئله این پژوهش در هر دو منبع، به ساختاری بزرگ تعلق دارد و میان ترکیب‌بندی ساختار و کارکردهای عناصرش مشابهت‌های اساسی وجود دارد (نک: پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). وجود ریشه مشترک در منابع اصلی این مطالعه در بخش اول (کتاب اصلی ادیان ابراهیمی) سبب می‌شود مقایسه انجام‌شده از نوع تبارشناختی<sup>۲</sup> باشد (همان: ۱۱۲). برای بخش دوم هر فصل، یعنی تعیین حدود و ثغور نسبی منابع یادشده در کتب تفسیری و ادبی و آثار هنری، مطالعه مقایسه‌ای انجام‌شده از نوع نامتقارن<sup>۳</sup> است؛ زیرا در هرکدام از این حوزه‌ها اطلاعات نویسندگان در یک سطح نیست؛ درحالی‌که مطالعه مقایسه‌ای انجام‌شده در بخش اول متقارن<sup>۴</sup> است و با وجود انتزاع وجوه مشترک در وقایع اصلی داستان‌ها در دو منبع اصلی قرآن و عهدین، قرار به رسیدن هدف اصلی، یعنی تعیین جایگاه هریک از زنان در هریک از دو منبع یادشده است (همان: ۱۲۷).

1. Micro-comparison

2. Genealogical

3. Asymmetrical

4. Symmetrical

از ویژگی‌های حائز اهمیت در این پژوهش می‌توان به برشمردن تفسیرهای نواندیشانه اسلامی در رابطه با هریک از شخصیت‌های یادشده و تبیین اثرگذاری مفسران یهودی و مسیحی و مسلمان بر اندیشه هنرمندان اشاره کرد.

### چشم‌انداز فصل‌ها

۱. بی‌گناهی نخستین؛ تصویر حوا در عهدین و قرآن و انعکاس آن در ادبیات و هنر: در این فصل، نخست تصویر حوا را به عنوان اولین زن در داستان آفرینش قرآن و عهدین به‌طور تطبیقی بررسی کرده‌ایم و آن را از ابعاد جایگاه انسانی و تقصیر در هبوط و مجازات گناه نخستین می‌کاویم؛ سپس پیامدها و بازتابی‌های این تصویر الهیاتی را در ادبیات و هنر دو جهان مسیحی و اسلامی بررسی و مقایسه می‌کنیم. این هدف را با گردآوری داده‌ها و کاوش در اسناد کتابخانه‌ای و آثار هنری در قالب پژوهش تطبیقی خرد و متوازن به‌گونه تبارشناختی در بخش اول، یعنی بررسی داستان آفرینش در قرآن و عهدین، و به‌صورت تطبیقی نامتوازن در بخش دوم، یعنی تأثیر منابع الهیاتی بر ادبیات و هنر انجام داده‌ایم. در این فصل نشان می‌دهیم که تصویر حوا در عهدین خالی از اسطوره‌های زن‌ستیزانه نیست و خلق شدن از دنده چپ، و سوسه آدم و تقصیرکاری در هبوط و مجازات حوا، متفاوت با آدم تصویر شده است؛ در صورتی که قرآن چنین تصویری را ترسیم نمی‌کند. به‌هرحال، گذشته از ادبیات و هنر غربی که تصویر عهدینی حوا را بازتابی می‌کند، برخی از آثار ادبی و هنری اسلامی نیز متأثر از همان تصویرند و با تصویر قرآنی از حوا مطابقت ندارند.

۲. رنج‌ترنج؛ زلیخا در فرهنگ‌های یهودی مسیحی و اسلامی: شاید یکی از بازگشوده‌ترین داستان‌ها در فرهنگ مسلمانان و ای بسا فرهنگ مردمان اهل کتاب، داستان یوسف (ع) و زلیخا بوده باشد. این داستان در ادبیات و هنر این دو فرهنگ نیز بسیار بازتاب یافته است و فرهنگ عامه را سده‌ها از خود متأثر

کرده است. در این فصل، ابتدا داستان را بر اساس عهد عتیق نقل می‌کنیم؛ سپس پیرایه‌ها و افزوده‌های ادبیات مذهبی یهود به آن را بررسی می‌نماییم. پس از آن، روایت قرآنی از این ماجرا را می‌گوییم و متعاقب آن، بازگویی‌های کتب قصص القرآن و نیز برخی از مفسران را بیان می‌کنیم. البته ریشه‌های برخی افزوده‌ها به این داستان را از منابع دیگری، مانند اسرئیلیات، نیز واکاوی و نقد می‌کنیم و به اجمال، دو روایت توراتی و قرآنی را به‌طور خاص و یهودی و اسلامی را در کل مقایسه می‌نماییم. سپس بازنمایی شخصیت زلیخا و ماجراهای او با یوسف (ع) در هنر یهودی مسیحی و نیز هنر مسلمانان را به‌گونه‌ای تطبیقی تحلیل می‌کنیم. باری، از آنجاکه بازنمایی هنر مسلمانان از این داستان غالباً در ضمن یا حاشیه ادبیات و کتب ادبی بازگوکننده ماجرای یوسف و زلیخا بوده‌اند، پیش از ورود به تحلیل هنری، گونه‌های سرایش این قصه را در ادبیات غنائی (عمدتاً) فارسی اسلامی، به تفصیل پی گرفته‌ایم.

۳. مصائب رحمة؛ بازتفسیر مواجهه ایوب (ع) با همسرش در قرآن: یکی از آیاتی که موضوع خشونت نمادین علیه همسر در ذیل آن بررسی شده، آیه ۴۴ سوره صاد است. در این فصل بر آنیم تا با بررسی وسیع تفسیرهای متقدم و متأخر، اعم از شیعه و سنی، از این آیه، محتوای آن‌ها درباره خطاهای نسبت داده شده به همسر ایوب (ع) و مواجهه این پیامبر با همسر خود و همین‌طور قضاوت نهایی خداوند عزوجل را تحلیل و مقوله‌بندی کنیم و ریشه‌های درون‌مایه‌های مشهور در تفسیر این آیه را بکاویم؛ سپس با بررسی انتقادی این درون‌مایه‌ها و روایت‌های پس‌زمینه آن، می‌کوشیم تفسیری بدیل به‌شیوه قرآن به قرآن را ارائه کنیم. با کاوش آیات مرتبط با داستان ایوب و همین‌طور آیات دیگری در سوره‌های بقره و واقعه و مطالعه واژگان هم‌ریشه «حَثَّ» در قرآن، آیه ۴۴ سوره صاد را می‌توان چنین تفسیر کرد که خداوند فرموده است: «(ای ایوب) آن دسته ساقه‌ها را بگیر و به مزار آن پیکرهای بی‌جان بزن (تا به اذن خداوند زنده شوند)

و به قدرت پروردگارت برای احیای مردگان یقین کن». در این تفسیر بدیل، موضوع خشونت خانگی مشروع در قبال همسری وفادار، ولو به شکل نمادین، وجود ندارد و برخی از درون‌مایه‌هایی که در برخی از تفاسیر بررسی شده از این آیه در اتهام به همسر این پیامبر و نیز طعن به عصمت انبیا وجود دارند نیز مرتفع می‌شوند.

۴. رحمة، دختر حوا؛ وسوسهٔ آدم و ایوب (ع) از سوی همسرانشان: در این فصل دو روایت عهد عتیق و قرآن از وسوسهٔ آدم و ایوب (ع) از سوی همسرانشان و بازنمایی آن در هنرهای تجسمی مسیحی و اسلامی را بررسی می‌کنیم. مقایسهٔ نحوهٔ فریب و وسوسهٔ دو پیامبر یادشده توسط همسرانشان در منابع دست اول، یعنی صبر نکردن بر حرمت تناول میوهٔ ممنوعه توسط حوا و نیز صبر نکردن بر ابتلائات الهی توسط رحمة و بازتاب آن در هنرهای تجسمی دو فرهنگ مسیحی و اسلامی، از اهداف این فصل است. در فصل چهارم این موضوعات را بررسی می‌کنیم؛ گرچه در متن قرآن کریم نه تنها تقصیر وسوسهٔ آدم و ایوب به گردن همسرانشان نیست، بلکه تعابیر بسیار روشنی وجود دارد که به صراحت تمام این اتهام را رد می‌کند، از سویی دیگر، برخی از داستان‌های عهدین در واسطه‌گری حوا برای وسوسهٔ آدم و نیز در نسبت دادن برخی گناه‌ها به همسر ایوب، بعضاً در منابع حدیثی و تفسیری اسلامی نیز دیده می‌شوند. موضوع بازنمایی وسوسهٔ آدم توسط حوا و شمتت ایوب توسط همسرش رحمة، در هنر مسیحی آشکارا و با بسامد چشمگیری مشهود است؛ ولی در نقاشی‌های اسلامی این‌گونه نیست. در باب وسوسهٔ آدم از سوی حوا و پیامدهای آن، مانند اخراجشان از بهشت، نقاشی‌های اسلامی صراحت کمتری در مقصدانستن حوا دارند و بعضاً شأنت برابر با آدم را به او بخشیده‌اند و در نگاره‌های مربوط به داستان ایوب نیز اثری حاکی از وسوسهٔ این پیامبر از سوی زنش یا شمتت شدن از سوی او یافت نمی‌شود.

۵. دومین حوا؛ و مریم و باز خرید گناه حوا: در این فصل با تمرکز بر درون مایه «حوا» ثانی دانستن مریم (ع)» به نسبت این دو شخصیت در الهیات مسیحی و بازنمایی آن در هنر نقاشی می پردازیم و نشان می دهیم چنین مضمونی هم در الهیات مسیحی کاملاً ریشه دار و مکرر است و هم در هنر نقاشی مسیحی به وفور بازتاب یافته است. در این فصل نتیجه می گیریم که ترسیم مریم به مثابه نقطه مقابل حوا، عنصر اصلی این درون مایه است: حوا و سوسه انگیز و برهنه و نافرمان است؛ ولی مریم باکره و پوشیده و فرمان بردار. حوا با گناه خود مرگ را برای نسل بشر می آورد و مریم رهگذر جاودانگی و حیات است. حوا کلمه شیطان را می شنود و آدم را به هبوط می کشاند؛ ولی مریم آستان کلمه خداوند می شود و انسان را به ملکوت می رساند. حوا قرین مار به مثابه نماینده شیطان است و به فریب او، سیب را می ستاند؛ اما مریم مار را زیر پا دارد و نجات بخش است. همچنین طبق الهیات مسیحی، اگر حوا ی نخست همراه کننده همسرش آدم شد، مریم نیز در کالبد حوا دوم، مادر و پرورنده عیسی (ع) بود. برخی از مفسران مسیحی از وی به آدم ثانی تعبیر می کنند؛ به تعبیری، حوا اول و دوم بودن هریک از این دو شخصیت زن، در سایه آدم اول و دومی است که یکی اسباب هبوط را فراهم می کند و دیگری با زایمان خود، آغازگر رستگاری می شود.

۶. مزده و مزدگانی اش؛ بشارت مریم (س) به آدم ثانی: مریم از شخصیت های مهم در هر دو سنت دینی مسیحی و اسلامی است. در هر دو سو شانی ارجمند دارد و بازنمایی های هنری معتناهی را نیز به خود اختصاص داده است. در این فصل به شکلی تطبیق بشارت مریم به مسیح از سوی جبرئیل و نحوه بارداری او از نگاه متون مقدس این دو شریعت و بازنمایی آن در هنر نقاشی این دو فرهنگ را بررسی خواهیم کرد. از حیث تقدم و تأخر تاریخی، ابتدا به روایت عهد جدید و دیگر اناجیل مسیحی از بشارت خواهیم پرداخت و سپس همین موضوع را در قرآن کریم و تفاسیر آن باز خواهیم جست و در ادامه و به ترتیب، بازنمایی بشارت در هنر این دو فرهنگ را تحلیل خواهیم کرد.



فصل یکم؛  
بی‌گناهی نخستین  
تصویر حوا در عهدین و قرآن و انعکاس آن در ادبیات و هنر



### مقدمه

فرهنگ انسانی با اینکه پویا و دگرگون‌شونده است، همیشه از شاکله‌ها و ساخت‌های بنیادین، از جمله نظام‌های معنایی‌نشانه‌ای کهن، همچون ادیان، تأثیری عمیق دارد. یکی از الگوهای معنایی‌نشانه‌ای که تقریباً در همهٔ ادیان و نظام‌های اسطوره‌ای فرهنگ‌ها و ملل یافت می‌شود، داستان شروع حیات انسانی بر زمین است که از آن به داستان آفرینش یاد می‌شود. داستان آفرینش در هر ملت یا دینی به‌گونه‌ای متأثر از جهان‌بینی مردمان پرداخت یا ارائه شده و در ایجاد یا ابقای انگاره‌های فرهنگی خاص نقش‌آفرینی کرده است. یکی از منظرهای بررسی داستان‌های آفرینش می‌تواند تصویرها و انگاره‌های مربوط به هریک از دو جنس انسانی باشد؛ زیرا در این اسطوره‌ها گاهی شروع حیات انسانی با پدر و مادر اولیه آغاز می‌شود. این تصویرها نظام‌نشانه‌ای معنایی روابط دو جنس را به‌گونه‌ای بسیار عمیق متأثر کرده‌اند و در ابعاد مختلف، انگاره‌های خاصی را دربارهٔ ارزش انسانی و ویژگی‌های هریک از دو جنس و تأخر در گناه‌کاری و شریربودن یا قربانی‌بودن آن‌ها ترویج می‌کنند. در ادیان نوعی انسان‌شناسی ترسیم می‌شود که روایت متون مقدس از سرگذشت زوج نخستین شاکله‌ای را در شناخت دو جنس و مناسبات آن‌ها با خداوند و یکدیگر شکل می‌دهد. می‌توان از آن به الهیات جنسیت یاد کرد. الهیات جنسیت تأثیر خود را در اخلاق و حقوق نشان می‌دهد و بر مدیریت مناسبات

دو جنس اثر می‌گذارد و تا روزمره‌ترین انگاره‌های فرهنگی نیز تسری می‌یابد. ادیان ابراهیمی که در تاریخ فرهنگ انسانی با نام‌های یهودیت و مسیحیت و اسلام شناخته می‌شوند، داستان آفرینش زوجی را روایت می‌کنند که پس از آفریده‌شدن در بهشت ساکن می‌شوند و سپس به دلیل پیروی از شیطان، از بهشت هبوط می‌کنند و در زمین ساکن می‌شوند. این کلیت داستان است و در ابعاد مهمی، آنچه در قرآن آمده است با روایت عهدین (قدیم و جدید) متفاوت است؛ اگرچه در میان برخی از صاحب‌نظران غیرمسلمان تفاسیر دیگری نیز از عهدین در داستان آفرینش وجود دارد؛ برای مثال، هنری،<sup>۱</sup> نویسنده شهر انگلیسی، معتقد است زن از دنده چپ آدم ساخته شده است تا با او برابر باشد و از زیر بازویش تا از او محافظت کند و نزدیک قلبش تا دوست داشته شود؛ نه از سرش تا بر او سروری کند یا نه از پایش تا پایمال شود. آدم یک دنده از دست داد، بی‌آنکه از توانایی و زیبایی‌اش کاسته شود؛ زیرا بی‌شک، گوشت بسته شد، بی‌آنکه اثری از جراحت باقی بماند. پس از آن، کسی را داشت که یآوری‌اش می‌کرد و نداشته‌هایش را جبران: «همچنان که از پهلوی مسیح که آدم ثانی بود، زوج او، یعنی کلیسا، شکل داده شد، هنگامی که او به خواب رفت، خواب عمیق مرگ بر صلیب، پهلویش گشوده شد و خون و آب بیرون آمد؛ خون برای خریدن کلیسا و آب برای آنکه این کلیسا را برای خود خالص و مطهر سازد» (هنری، ۱۸۴۳: ۳۶).

اهلیات جنسیت داستان آفرینش در میان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان آشکارا بر تاریخ زیست فرهنگی این سه جامعه تأثیر گذاشته و به‌طور خاص، در ادبیات و هنر بازنمایی شده است. یکی از چالش‌برانگیزترین ابعاد داستان آفرینش، ارزش انسانی زن در این روایت‌ها و تقصیر و مکافات‌های احتمالی

بوده است؛ از این رو، در پژوهش حاضر با شیوه‌ای تطبیقی تصویر حوا را در عهدین و قرآن تحلیل می‌کنیم و سپس بازنمایی‌های این تصویر را در نمونه‌هایی مهم از ادبیات و هنر می‌کاویم. در این میان، به این سبب که تصویر رایج از حوا در فرهنگ اسلامی، در جاهایی با تصویر ارائه‌شده در قرآن، متفاوت و متأثر از انگاره عهدینی از مادر بشر است، تا آنجا که در این مجال بگنجد، رویکرد انتقادی به بازنمایی تصویر حوا در فرهنگ اسلامی داریم. در رابطه با پیشینه پژوهش حاضر نیز گفتنی است که گرچه برخی کارهای پژوهشی تصویر حوا را در ادبیات یا هنر اسلامی بررسی کرده‌اند (حضرمی-الوچ، ۲۰۱۸)، نویسندگان پژوهشی تطبیقی در این زمینه نیافتند.

### تصویر حوا در عهد عتیق

#### - هدف از آفرینش حوا در عهد عتیق

در داستان آفرینش، عهد قدیم آدم را منشأ مادی آفرینش حوا معرفی می‌کند. افزون‌براین، حوا از ابتدا قرار است معاون آدم باشد و برای او آفریده شده است؛ از این رو، حوا وجود طفیلی و تبعی دارد. در سفر پیدایش عهد قدیم آمده است: خداوند گفت: بودن آدم تنها خوب نیست. بهتر است برای او یاری بسازم که با او باشد و خداوند تمامی حیوانات صحرا و تمامی مرغان هوا را از خاک آفرید و به نزد آدم آورد تا ببیند که ایشان را چه خواهد نامید؛ پس آدم تمامی بهایم و مرغان هوا و حیوانات صحرا را نام نهاد؛ اما از برای آدم یآوری که همراهش باشد، پیدا نبود و خداوند خواب گرانی بر آدم مستولی گردانید که خفت. پس یکی از استخوان‌های پهلویش را گرفت و گوشت